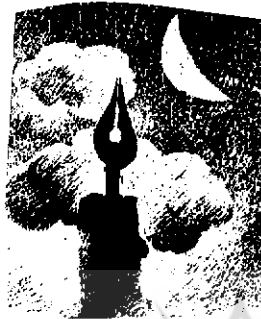


مباحث رؤیت هلال

در گزارشی از مجموعه

«رؤیت هلال»^۱

رضامختاری



رؤیت هلال، یکی از مسائل بحث‌انگیز، پر سر و صدا و پر فروع است که، در طول تاریخ همواره در هر دوره‌ای یک یا دو فرع آن، مورد نزاع و اختلاف و معرکه آرا بوده است؛ مثلاً در سده‌های چهارم و پنجم موضوع عدد و رؤیت، و در اواخر دوران صفویه و پس از آن مسئله رؤیت هلال پیش از زوال بیش از همه مورد بحث بوده است و نیز در زمان ما اشتراط یا عدم اشتراط اتحاد آفاق و اعتبار قول هیوی و محاسبات فلکی و سرانجام رؤیت هلال با چشم مسلح از بحث‌انگیزترین فرع‌های این موضوع است. البته در رؤیت هلال مباحث بسیاری مطرح بوده است؛ از جمله:

طُرُق و امارات معتبر برای ثبوت هلال، مانند رؤیت، و صور مختلف

۱. کاری است از واحد احیای پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات که به همت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای مختاری و برخی از محققان محترم آن واحد در ۵ جلد سامان یافته است و ما در دو شماره پیشین نیز به برخی از موضوعات مهم این مجموعه گرانسنگ اشاره نمودیم.

آن، گذشت سی روز از ماه قمری قبل؛

طرق و امارات غیر معتبر، مانند غروب هلال بعد از شفق، تطوق (به نظر برخی)، شهادت یک شاهد، شهادت زن؛

حکم حاکم در رؤیت هلال، شهادت بر شهادت، چگونگی ثبوت هلال در قطبین، وظیفه شاک در هلال شوال، ضابطه وحدت و تقارب افق، لیلۃ القدر و ارتباط آن با رؤیت.

افزون بر اینها، به مناسبت بحث‌های بسیار مفیدی لابه لای آثار مربوط به رؤیت هلال به چشم می‌خورد؛ مانند ولایت فقیه، توثیق عمر بن حنظله و بحث‌های سودمند ادبی، حدیثی و تاریخی.

به هر حال، راجع به پاره‌ای از این موضوعات، به طور گسترده پیش از این بحث شده است، مانند اشتراط یا عدم اشتراط اتحاد آفاق، که بیشتر جلد دوم رؤیت هلال به همین موضوع اختصاص یافته است. برخی مطالب هم جنبه تاریخی دارد و کاربرد آن بیشتر در تاریخ علم است و امروزه به هیچ روی مورد اختلاف نیست؛ مانند عدد و رؤیت. برخی مباحث هم کمتر یکجا و منسجم تحقیق شده‌اند. از این رو و نیز به دلیل اهمیت آنها، به طور گسترده در مقدمه رؤیت هلال درباره آنها سخن گفته‌ام؛ مانند: اعتبار قول هیوی، رؤیت با چشم مسلح، و اختلاف شیعه و سنی در رؤیت هلال ذی حجه در مکه مکرمه، که باب سوم مقدمه به مبحث نخست، باب چهارم آن به مبحث دوم، و باب پنجم آن به مبحث سوم اختصاص یافته است.

از این رو، در این جا به توضیح کوتاهی راجع به اهم فروع رؤیت هلال - به جز سه موضوع فوق - می‌پردازم (و چون توجه نکردن به جوانب شهادت بینه به رؤیت و پذیرفتن بی قید و شرط یا مسامحه‌آمیز آن، موجب گرفتاری‌ها و نابسامانی‌هایی شده است، این باب را با سخن بسیاری از فقیهان درباره آن به پایان می‌برم):

الف) عدد و رؤیت

یکی از مسائل بحث انگیز در سده‌های چهارم و پنجم هجری این بوده است که آیا ماه مبارک رمضان همیشه کامل و ۳۰ روز است و یا این که برخی سال‌ها ۲۹ روز است و با دیدن هلال شوال، هر چند از آغاز ماه مبارک رمضان ۲۹ روز گذشته باشد، عید فطر ثابت می‌شود و در نتیجه ماه مبارک ۲۹ روز خواهد بود.

هر دو نظریه طرفدارانی داشته است. به قائلان قول اول «أصحاب العدد» و به طرفداران نظریه دوم «أصحاب الرؤية» می‌گویند.

شیخ صدوق (قده) - حداقل در دورانی از حیات علمی اش - از اصحاب عدد بوده و در خصال و فقیه از این نظریه به شدت دفاع کرده است.^۲

شیخ مفید نیز در آغاز، در زمره اصحاب عدد بوده، و در تأیید آن به سال ۳۶۳ رساله‌ای نوشته است به نام «لمح البرهان في عدم نقصان شهر رمضان» یا «لمح البرهان في كمال شهر رمضان»^۳. ابن طاووس در اقبال، قسمتی از این رساله را نقل کرده است. همچنین در فلاح السائل از آن یاد کرده و نوشته است:

«أقول: وسمعت من يذكر طعناً على محمد بن سنان، لعنه لم يقف على تزكيتة و الثناء عليه، وكذلك يحتمل أكثر الطعون. فقال شيخنا المعظم المأمون المفيد محمد بن محمد بن النعمان في كتاب [لمح البرهان في] كمال شهر رمضان لما ذكر محمد بن سنان ما هذا لفظه: على أن المشهور عن السادة (ع) من الوصف لهذا الرجل خلاف ما به شيخنا أتاه و وصفه...»^۴.

۲. متن کامل سخنان شیخ صدوق را در این باره از همه آثارش در جلد سوم رؤیت هلال (ص ۱۴۸۷ - ۱۴۹۰) آورده‌ایم.

۳. رک: الذریعة، ج ۱۸ / ۳۴۰.

۴. فلاح السائل / ۵۰.

گفتنی است که متن کامل لمح البرهان امروزه در دست نیست. شیخ مفید سپس از این قول عدول کرده و در تأیید قول دوم کتابی نوشته است به نام مصباح النور في علامات أوائل الشهور. این رساله نیز مفقود شده و در دست نیست.^۵ وی در «رسالة أجوبة مسائل أهل الموصل في العدد و الرؤية» معروف به «رساله عددیه»، که اولین رساله بخش دوم رؤیت هلال از جلد اول است، سه بار به آن ارجاع داده و از آن یاد کرده است. همچنین در کتاب تصحیح الاعتقاد با تعبیر مصابیح النور از آن نام برده است.^۶

شیخ مفید جمعاً چهار رساله در موضوع عدد و رؤیت تألیف کرده که در مقدمه رساله عددیه درباره آنها توضیح داده ام.

ابن طاووس (م: ۶۶۴) در اقبال می گوید:

«امروزه دیگر کسی از عالمان شیعه قائل به عدد نیست؛ ولی پیش از آن عده ای بدان قائل بوده اند». وی به نقل از شیخ مفید این عالمان را از این عده می شمارد: «ابوالقاسم جعفر ابن محمد بن قولویه، سید ابو محمد حسنی، ابو محمد هارون بن موسی، شیخ صدوق و برادرش ابو عبدالله حسین بن علی بن بابویه».

ابن طاووس می افزاید:

«ابن قولویه کتابی در دفاع از نظریه عدد نوشته و محمد بن احمد بن داود قمی آن را نقد کرده است»^۷.

۵. رک: الذریعة، ج ۲۱ / ۹۲.

۶. تصحیح الاعتقاد / ۱۴۷ (ضمن مصنفات الشیخ المفید، ج ۵)، فصل في الأحادیث المختلفة.

۷. متن کامل سخن اقبال را در جلد سوم رؤیت هلال (ص ۱۵۴۶ - ۱۵۵۲) نقل و تصحیح کرده ایم.



کراجکی نیز همانند شیخ مفید ابتدا قائل به عدد بوده و در حمایت از آن اثری نگاشته و سپس از آن عدول کرده و در نقد آن، کتاب الکافی فی الاستدلال را نوشته است.^۸

شیخ صدوق بر خلاف خصال و فقیه - که در آنها به شدت از عدد دفاع کرده است - در مقنع و هدایه و امالی هیچ سخنی از عدد به میان نیاورده و تنها رؤیت را علامت دانسته است. عبارت وی در مقنع و امالی به ترتیب چنین است:

«و اعلم أن صیام شهر رمضان للرؤية و الفطر للرؤية، و لیس بالرأی و التظنی ...»

وقد یکون شهر رمضان تسعة و عشرين، و یکون ثلاثین، ویصیبه ما یُصیب الشهور من النقصان و التمام^۹.

- صیام شهر رمضان فریضة، و هو بالرؤية، و لیس بالرأی و لا بالتظنی، و من صام قبل الرؤية فهو مخالف لدين الإمامية^{۱۰}.

از رساله های مستقلی که در ردّ عدد نوشته اند امروزه دو رساله در دست است: یکی از شیخ مفید و دیگری از شاگردش سید مرتضی که هر دو تصحیح و در بخش دوم رؤیت هلال در جلد اول درج شده اند.

مرحوم آیه الله خویی (ره) در بحث رؤیت هلال با اشاره به قول به عدد گوید:

«و نسب هذا القول إلى الشيخ المقید أيضاً في بعض کتبه، کما صرح بهذه النسبة في الحدائق أيضاً.»

غیر آن له رساله خاصه سماها ب الرسالة العددية ... أبطل فيها هذا القول و أنکره أشدّ الإنکار... و لا ندری أنه (قدّه) في أي کتاب من کتبه ذکر ما نسب إليه، و نظنّ - والله العالم - أنها

۸. رک: الذریعة، ج ۵ / ۲۳۶.

۹. المقنع / ۱۸۲ - ۱۸۳.

۱۰. امالی الصدوق / ۵۱۶، مجلس ۹۳.



نسبة كاذبة؛ لإصراره على إبطال القول المذكور في الرسالة
المزبورة...^{۱۱}.

ایشان در این جا به دلیل آن که شیخ مفید در رساله عدویه قول به عدد را رد کرده است، نسبت قول به عدد را به وی مستبعد دانسته و گمان کرده که این نسبت دروغ است؛ در حالی که منافاتی بین قائل بودن به عدد در زمانی، و رد این نظریه در زمان دیگری نیست، و اتفاقاً در این جا چنین است؛ یعنی - چنان که گذشت - شیخ مفید در ابتدا قائل به نظریه عدد بوده و در دفاع از این نظر به سال ۳۶۳ رساله ای نوشته به نام لمح البرهان فی عدم نقصان شهر رمضان، و از این نظر عدول کرده و رساله مصباح النور فی علامات أوائل الشهور و سپس رساله عدویه را در رد آن نوشته است. این نکته به قدری مسلم و قطعی است که قابل انکار نیست و بسیاری از فقیهان این قول را به وی نسبت داده اند؛ حتی سید بن طاووس در اقبال بخشی از عبارات شیخ مفید را در لمح البرهان نیز نقل کرده و عدول وی از این نظر را نشانه حق پذیری او دانسته است. نیز نجاشی شاگرد شیخ مفید در سرگذشت وی، لمح البرهان را در عداد تألیفات او یاد کرده است. اینک شمه ای از سخنان بزرگان در این باره^{۱۲}:

سید ابن طاووس (م: ۶۶۴) در اقبال:

«... ولکنني أذكر بعض ما عرفته ممّا كان جماعة من علماء

أصحابنا معتقدين له و عاملين عليه من أن شهر رمضان

لا ينقص أبداً عن الثلاثين يوماً.

فمن ذلك ما حكاه شيخنا المفيد محمد بن محمد بن النعمان

۱۱. روایت هلال، ج ۴ / ۲۷۳۸ - ۲۷۳۹.

۱۲. نشانی دقیق این اقوال را در جلد سوم روایت هلال آورده ایم.

في كتاب لمح البرهان، فقال:

- و وجدت كتاباً للشيخ المفيد محمد بن محمد بن نعمان، سماه لمح البرهان الذي قدمنا ذكره قد انتصر فيه لأستاده... و ذكر فيه أن شهر رمضان لا ينقص عن ثلاثين، و تأول أخباراً ذكرها تتضمن أنه يجوز أن يكون تسعاً و عشرين... .

- و وجدت شيخنا المفيد قد رجع عن كتاب لمح البرهان، و ذكر أنه صنّف كتاباً سماه مصباح النور، و أنه قد ذهب فيه إلى قول محمد بن أحمد بن داود في أن شهر رمضان له أسوة بالشهور في الزيادة و النقصان .

... و إنما أردنا ان لا يخلو كتابنا من الإشارة إلى قول بعض من ذهب إلى الاختلاف من أهل الفضل و الورع و الإنصاف، و أن الورع و الدين حملهم على الرجوع إلى ما عادوا إليه، من أنه يجوز أن يكون ثلاثين و أن يكون تسعاً و عشرين» .

فاضل آبی (زنده در ۶۷۲) در كشف الرموز :

«... و ذهب المفيد - في مختصر له - إلى اعتباره و عليه أصحاب الحديث» .

انسانی و مطالعات فرہنگی

شہید اول (م : ۷۸۶) در غایة المراد : علوم انسانی

«و اختار العمل بتمام شهر رمضان المفيد في بعض مختصراته، و الصدوق (ره)» .

سید محمد عاملی صاحب مدارک (م : ۱۰۰۹) در مدارک الأحکام :

«و القول باعتبار العدد منقول عن شيخنا المفيد في بعض كتبه...» .

محقق خوانساری (م : ۱۰۹۸) در مشارق الشموس :

«... و خالف الصدوق أيضاً في الفقيه... و نقل الخلاف في

ذلك عن شيخنا المفيد (ره) أيضاً في بعض كتبه».

فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱) در مفاتیح الشرائع:

«ولا بعدُ شعبان ناقصاً ابداً ورمضان تاماً ابداً، للصحاح

الصراح، خلافاً للمفيد والصدوق».

شیخ علی بن قاسم مسکنانی (زنده در ۱۱۸۴) در شرح مفاتیح فیض:

«خلافاً للمفيد، حيث نسبته إليه صاحب المدارك بأن القول

باعتبار العدد منقول عنه في بعض كتبه».

مولا احمد نراقی (م: ۱۲۴۵) در مستند الشيعة:

«... للمحكي عن المفيد في بعض كتبه، والصدوق في

الفقيه».

محقق تستری (م: ۱۲۳۷) در كشف القناع:

«وحكى ابن طاووس عنه... في كتاب لمح البرهان أنه قال

عقيب الطعن على من ادعى حدوث القول بعدم نقص شهر

رمضان... ثم صنف المفيد كتاب مصباح النور... ورجع عما

كان عليه مما في لمح البرهان^{۱۳}».

سید محمد مجاهد (م: ۱۲۴۲) در مناهل:

«و صرح... بأنه مذهب ابن بابويه في... الفقيه، وبأنه منقول

عن المفيد في بعض كتبه».

ب) رؤیت هلال پیش از زوال

این موضوع به تبع وجود آن در احادیث شریف از همان اوایل غیبت کبرا مورد

بحث فقها بوده و ظاهراً نخست بار آن را سید مرتضی علم الهدی (م: ۴۳۶) در

مشهور بین فقیهان این است که حکم حاکم معتبر است و افزون بر رساله‌های مستقل، در دیگر کتابهای فقهی نیز از آن بحث کرده‌اند که متن سخن آنان را در این باره در جلد‌های سوم و چهارم رویت هلال درج کرده‌ایم.

المسائل الناصریات مطرح کرده است، ولی اواخر دوران صفویه معرکه آرا بوده و چندین رساله مستقل درباره آن تألیف شده است.

موضوع بحث این است که اگر روز سی ام ماه، هلال پیش از زوال رویت شود، آیا آن روز از ماه جدید محسوب می‌شود و به سان آن است که شب قبل، هلال رویت شده باشد؟ یا آن روز از ماه جدید محسوب نمی‌شود؛ بلکه آخرین روز ماه قبل است و به سان آن است که ماه بعد از زوال و هنگام غروب دیده شود. بنابراین دیدن پیش از زوال اعتباری ندارد؛ بلکه ملاک برای ورود ماه جدید، رویت پس از زوال و نشانه آن است که روز بعد آغاز ماه جدید خواهد بود؟

به احتمال اول «اعتبار رویت هلال پیش از زوال» و به احتمال دوم «عدم اعتبار رویت هلال پیش از زوال» می‌گویند. محقق سبزواری (م: ۱۰۹۰) در ذخیره و کفایه به اعتبار رویت پیش از زوال قائل شده، ولی شاگردش فاضل سراب (م: ۱۱۲۴) رساله‌ای در نقد این نظر استاد نوشته است (رساله ۴ بخش دوم این مجموعه) و به دنبال آن فرزند محقق سبزواری (م: حدود ۱۱۳۵) به دفاع از پدر برخاسته و رساله‌ای در نقد فاضل سراب نگاشته است (رساله ۸). آن‌گاه فاضل خواجویی (م: ۱۱۷۳) رساله عدم اعتبار رویت الهلال قبل الزوال (رساله ۹) را در دفاع از نظریه فاضل سراب،

و سرانجام نواده محقق سبزواری (م: ۱۱۸۱) در دفاع از پدر و جدّ و ردّ سراب و خواجویی، رساله اعتبار رؤیة الهلال قبل الزوال (رساله ۱۱) را تألیف کرده است.

ما همه این رساله‌ها را به ترتیب در بخش دوم مجموعه رؤیت هلال درج کرده‌ایم.

همچنین استاد اکبر وحید بهبهانی (م: ۱۲۰۵) قائل به عدم اعتبار بوده و بدون نظر به سایر رساله‌ها رساله‌ای در دفاع از این نظر نگاشته (رساله ۱۲)؛ ولی شاگردش سید ابوالقاسم موسوی خوانساری (م: ۱۲۱۱) آن را در رساله‌اش نقد کرده است (رساله ۱۳).

علاوه بر اینها، مولا محمد حسین بن یحیی نوری (زنده در ۱۱۳۳) از شاگردان علامه مجلسی رساله‌ای نوشته به نام تحقیق الحال فی رؤیة الهلال قبل الزوال (رساله ۷) و بدون آن که در مقام نقض و ابرام دیگر رساله‌ها باشد، به عدم اعتبار رؤیت قبل از زوال قائل شده است.

همچنین سید محمد بن قاسم حسینی طارمی زنجانی (م: ۱۲۶۹) رساله اعتبار رؤیت هلال پیش از زوال (رساله ۱۴) را بدون نظر به دیگر رساله‌ها، به فارسی نوشته و قائل به اعتبار شده است.

هرچند بیشتر رساله‌های جلد اول رؤیت هلال بدین موضوع اختصاص دارد، ولی همین مباحث و نیز سایر مباحث مطرح شده در این رساله‌ها، برای فقیه کارگشا و راهنما خواهد بود.

غیر از رساله‌های یاد شده به اثر مستقل دیگری در این زمینه دست نیافتیم، ولی در بسیاری از کتابهای فقهی که بحث هلال را مطرح کرده‌اند، رؤیت پیش از زوال نیز مورد بحث قرار گرفته است؛ از جمله در مصابیح از علامه بحر العلوم (ره).

ج) حکم حاکم

یکی از مسائل مورد بحث این است که همان طور که رؤیت و بینة، حجت و اماره معتبر برای اثبات اول ماه است، آیا با حکم حاکم نیز آغاز ماه ثابت می شود یا نه؟ در روایات رؤیت هلال و در آثار فقهی قدما، این موضوع صریحاً مطرح نشده است، ولی متأخران به تفصیل از آن بحث کرده اند؛ از جمله میر محمد صالح حسینی خاتون آبادی (م: ۱۱۲۶) داماد و شاگرد علامه مجلسی دو رساله در عدم ثبوت هلال به حکم حاکم - یکی به عربی (رساله ۵) و دیگری به فارسی (رساله ۶) - نوشته است. در مقابل،

دیگر فقیهان نیز در ثبوت هلال به حکم حاکم رساله مستقل نوشته اند مانند رساله های ۲۰ و ۲۸ که در جلد دوم رؤیت هلال درج شده اند.

مشهور بین فقیهان این است که حکم حاکم معتبر است و افزون بر رساله های مستقل، در دیگر کتابهای فقهی نیز از آن بحث کرده اند که متن سخن آنان را در این باره در جلدهای سوم و چهارم رؤیت هلال درج کرده ایم. از جمله سخنان دقیق و جالب در این باره می توان به مطالب وحید بهبهانی که سید محمد مجاهد از وی نقل کرده است (رؤیت هلال، ج ۳ / ۲۰۸۹ - ۲۰۹۰)، سید ابوتراب خوانساری در شرح نجات العباد (رؤیت هلال، ج ۴ / ۲۴۹۸ - ۲۵۰۲) و آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری (ج ۴ / ۲۷۷۷ - ۲۷۸۰) اشاره کرد. سخن این فقیهان در جلد سوم و چهارم هلال درج شده است و نیازی نمی بینم که آنها را در اینجا نقل کنم^{۱۴}.

۱۴. راجع به سیر تاریخی مسئله و پاره ای از جوانب آن در کتاب دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، ج ۲ / ۵۹۳ به بعد، مطالب مفیدی دیده می شود.

د) لیلة القدر

یکی از مباحث مرتبط با رؤیت هلال، تعیین لیلة القدر است. با توجه به این که زمین کروی و نیمی از زمین روز و نیم دیگر آن شب است و هلال در سراسر کره در وقت واحدی رؤیت نمی شود، این سؤال پیش می آید که شب قدر چه شبی است؟ و رؤیت هلال در چه نقطه ای ملاک تعیین شب قدر است؟ آیا ممکن است دو شب در مجموع کره زمین، لیلة القدر باشد یا نه؟ مرحوم آیه الله خوبی (ره) و برخی دیگر از فقیهان که قائل به عدم اشتراط اتحاد آفاق هستند، بر این باورند که شب قدر، واحد شخصی است و همین را مؤید نظر خویش مبنی بر عدم اشتراط اتحاد آفاق دانسته اند.^{۱۵}

مخالفان این نظر می گویند مانعی ندارد که شب قدر دو شب باشد: در بخشی از کره زمین یک شب و در بخشی دیگر شب دیگر. رساله دهم بخش دوم رؤیت هلال به نام تعیین لیلة القدر از مولا اسماعیل خواجهی (م: ۱۱۷۳) در این باره است و یک مقاله از مقالات بخش چهارم رؤیت هلال با عنوان «شب و روز» نیز به این موضوع اختصاص دارد. موافقان و مخالفان نظریه مرحوم آیه الله خوبی (ره)، هم در رساله مستقل و هم در دیگر آثار فقهی خود بدین بحث پرداخته اند؛ از جمله در رساله های ۱۹ و ۲۷ که در جلد دوم درج شده اند. دیگر سخنان در این باره در جلدهای سوم و چهارم آمده است.

۱۵. یکی از فقهای معاصر در نقد این نظر نوشته اند: «... طرفداران این عقیده، وحدت اول ماه را تنها در مناطقی پذیرفته اند که در مقداری از شب با منطقه رؤیت هلال مشترک باشند؛ یعنی برای مناطق دیگر زمین به ناچار شب قدر دیگری قائل هستند و اول ماه آن مناطق را یک روز متفاوت می دانند» (چند نکته مهم درباره رؤیت هلال / ۲۲ - ۲۳).

هـ) اشتراط یا عدم اشتراط اتحاد آفاق

بحث انگیزترین موضوع در زمان ما این است که اگر رؤیت هلال در افقی ثابت شد، آیا فقط برای دیگر آفاقی هم که با افق مزبور متحدند، ثابت است و برای آفاق غیر متحد ثابت نمی شود؟ یا این که اتحاد آفاق شرط نیست و برای سایر نقاط - اعم از متحد الأفق و مختلف الأفق - هم ثابت می شود؟

احتمال اول مشهور بین فقها و احتمال دوم قول عده ای از فقیهان از جمله سید ابوتراب خوانساری، آیه الله خویی و شهید آیه الله سید محمد باقر صدر است. از شاگردان آیه الله خویی برخی این نظر را پذیرفته اند مانند آیه الله شهید سید محمد باقر صدر، و برخی دیگر رد کرده اند، مانند آیه الله شهید سید محمد صدر.

عمده مباحث جلد دوم رؤیت هلال اختصاص به این موضوع دارد و رساله های شماره ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۲۹ ویژه نقد آن است.

در برخی رساله ها نیز نظر غیر مشهور به طور ضمنی تأیید شده است؛ مانند رساله ۲۴.

افزون بر رساله های مستقل، در دیگر آثار فقهی معاصران نیز از این موضوع بحث شده است که همه را در جلد چهارم رؤیت هلال درج کرده ایم؛ از جمله سخنان شهید آیه الله سید محمد باقر صدر، و نیز سخنان آیه الله خویی در منهاج و نیز تقریر درس ایشان.

البته قائلان به قول غیر مشهور همه یکسان نظر نداده اند و برخی مانند آیه الله خویی (ره) برای ثبوت هلال، اشتراک در جزئی از شب را بین نقطه ناظر و سایر نقاط لازم می دانند؛ ولی فقیهان پیش از ایشان - از قائلان بدین قول - چنین شرطی نکرده اند. برخی از فقهای معاصر اهل سنت درست مانند آیه الله خویی به شرط اشتراک در قسمتی از شب، همین نظر را دارند. اولین کنگره

مجمع البحوث الإسلامية که در قاهره برگزار شد مصوباتی داشت؛ از جمله: «إنه لا عبرة باختلاف المطالع - وإن تباعدت الأقاليم - متى كانت مشتركة في جزء من ليلة الرؤية، وإن قل، ويكون اختلاف المطالع معتبراً في الأقاليم التي لا تشترك في جزء من هذه الليلة»^{۱۶}.

همچنین دکتر نصر فرید محمد واصل، مفتی مصر، در بیانیه ای به مناسبت عید فطر ۱۴۱۹ که روزنامه الشعب آن را منتشر کرد، نوشت:

«... إعلان رؤية شهر رمضان لهذا العام سنة ۱۴۱۹... لم تخرج عن المنهج الشرعي الصحيح والذي ارتضيناه لأنفسنا كمنهج ثابت من أول تحمّلنا لمسؤولية الإفتاء والفتوى بالديار المصرية، وهو منهج وحدة المطالع الذي يجمع بين البلاد الإسلامية المشتركة في جزء من الليل... وهذا المنهج هو الذي أقرته المؤتمرات العلمية وجامع الفقهية في أغلب الدول الإسلامية، ومنها مصر والكويت والأردن والسعودية، وآخرها مؤتمر جدة الخاص بلجنة التقويم الهجري الموحد وقواعد إعلان الرؤية الشرعية في رجب سنة ۱۴۱۹...»

آیه الله خویی این مسلك را مختار علامه در منتهی المطلب می داند. منتهی المطلب نخستین اثر فقهی استدلالی علامه است که به تصریح خود وی در مقدمه آن، در ۳۲ سالگی تألیف آن را شروع کرده است. بنابر این عمده یا همه آثار فقهی علامه^{۱۷} پس از آن تألیف شده و در مقام تعارض بین منتهی و

۱۶. التوجيه الشرعي في الإسلام، ج ۱ / ۱۶۴، چاپ قاهره، ۱۳۹۱، به نقل از مقاله «اثبات الأهله»، مطبوع در مجله الشريعة، سال ششم (۱۴۰۹) / ۴۰۸.

۱۷. تردید برای آن است که تاریخ تألیف تبصرة المتعلمين، و تلخیص المرام في معرفة الأحكام دانسته نیست و شاید این آثار نیز پس از منتهی تألیف شده باشند.

سایر آثار فقهی وی، رأی منتهی مرجوح است و قابل تمسک نیست. متأسفانه مرحوم آیه الله خویی (ره) بدین نکته توجه نفرموده یا متعرض آن نشده‌اند. نظر شریف علامه در منتهی بدو در خصوص عدم اشتراط وحدت آفاق در رؤیت هلال با نظر وی در دیگر آثار فقهی اش مغایر است، و ایشان فقط به سخن علامه در منتهی اشاره کرده و نفرموده است که در دیگر آثارش از آن عدول بلکه در تذکره شدیداً آن را رد کرده است. سخن آیه الله خویی (ره) در منهاج الصالحین این است:

«... نعم، حکى القول باعتبار اتحاد الأفق عن الشيخ في المبسوط، فإذن المسألة مسكوت عنها في كلمات أكثر المتقدمين، إنما صارت معركة للأراء بين علمائنا المتأخرين، المعروف بينهم القول باعتبار اتحاد الأفق. ولكن فقد خالفهم فيه جماعة من العلماء و المحققين، فاختاروا القول بعدم اعتبار اتحاد الأفق... قد نقل العلامة في التذكرة هذا القول عن بعض علمائنا، واختاره صريحاً في المنتهى، واحتمله الشهيد الأول في الدروس، واختاره صريحاً المحدث الكاشاني في الوافي، و صاحب الحقائق في حدائقه، و مال إليه صاحب الجواهر في جواهره، و النراقي في المستند، و السيد أبو تراب الخوانساري في شرح نجات العباد^{۱۸}».

بر این سخن ایشان چند اشکال وارد است:

۱. چنان که گذشت منتهی اولین تألیف و یا از اولین تألیفات فقهی علامه است، و بر فرض که در منتهی قائل به این قول - یعنی عدم اعتبار اتحاد آفاق - شده باشد، در آثار بعدی اش از این قول عدول کرده و علاوه بر آن در تذکره

ادله این قول را به تفصیل رد کرده است. شایسته بود که ایشان بدین نکته تنبّه می داد. سخن علامه در دیگر آثارش در این زمینه چنین است^{۱۹}:

قواعد: «و حکم المتقاربة واحد بخلاف المتباعدة».

إرشاد: «والمقاربة كبغداد و الكوفة متّحدة بخلاف المتباعدة».

تذکره: «... و إن تباعدتا كبغداد و خراسان و الحجاز و العراق، فلكلّ بلد

حکم نفسه. قاله الشيخ، و هو المعتمد...».

تلخیص المرام: «والبلاذ المتقاربة في حکم واحد دون المتباعدة».

ه) تحریر: «... و الشيخ جعل البلاد المتقاربة... كالبلاذ الواحد، و البلاد

المتباعدة كبغداد و مصر لكلّ بلد حکم نفسه. و فيه قوّة».

۲. آیه الله خوئی (ره) فرموده اند: «واختاره صریحاً في المنتهى»؛ در

حالی که با دقت در کلام منتهی معلوم می شود که علامه در آغاز کلامش در

منتهی در این مبحث متمایل به این قول شده؛ ولی سپس در همان جا از آن

صریحاً عدول کرده است. نصّ سخن علامه این است:

«إذا رأى الهلال أهل بلد، و جب الصوم على جميع الناس؛

سواء تباعدت البلاد أو تقاربت...»

وبالجملة، إن علم طلوعه في بعض الأصقاع و عدم طلوعه في

بعضها المتباعد عنه لكروية الأرض، لم يتساو حکماهما؛ أما

بدون ذلك فالتساوي هو الحق».

از این رو، آیه الله سیّد ابوتراب خوانساری در شرح نجات العباد گوید: «و

مال إليه في المنتهى في أولّ كلامه» و توجه به این نکته داشته است که پایان

سخن علامه در منتهی خلاف سخن وی در آغاز بحث است و لذا افزوده

است: «... و ممّا ذکرنا... ما اختاره في المنتهى أخيراً... من التفصیل».

۱۹. متن کامل مطالب را با نشانی دقیق آنها در رؤیت هلال، ج ۳، آورده ام.

بنابراین به هیچ وجه نباید علامه را از قائلان به عدم لزوم اشتراک آفاق دانست؛ بلکه نظر ایشان با مشهور موافق است.

۳. چنان که گذشت آیه الله خویی (ره) فرموده اند: «واحتمله الشهید الأوّل فی الدروس»؛ در حالی که سخن شهید در دروس ربطی به این مبحث ندارد؛ زیرا شهید فرموده است:

«والبلاذ المتقاربة كالبصرة و بغداد متّحدة، لا كبغداد و مصر؛ قاله الشیخ. و یحتمل ثبوت الهلال لمن فی البلاد المغریّة برویته فی البلاد المشرقیّة و إن تباعدت؛ للقطع بالرؤية عند عدم المانع».

روشن است که ذیل کلام شهید، مخالف قول مشهور نیست؛ بلکه شهید تنها در فرضی فرموده است رویت در یک بلد برای بلد دیگر کافی است که بلد دیگر در غرب بلد رویت باشد. این امری مسلم و خارج از مدار نزاع است (هر چند این سخن در صورتی صادق است که بلد شرقی و غربی هم عرض باشند) و خود مرحوم آیه الله خویی به خارج بودن این فرض از محور نزاع تصریح فرموده است:

«كما لا إشكال أيضاً في كفاية الرؤية في بلد آخر و إن اختلفا في الأفق فيما إذا كان الثبوت هناك مستلزماً للثبوت هنا بالأولوية القطعية، كما لو كان ذاك البلد شرقياً بالإضافة إلى هذا البلد كبلاد الهند بالإضافة إلى العراق... إنّما الكلام في عكس ذلك»^{۲۰}.

۴. آیه الله خویی (ره) در سخنی که از ایشان گذشت، فرموده است: «واختاره... صاحب الحدائق في حدائقه».

موافقت حدائق با نظر غیر مشهور، براساس مبنایی است که صد در صد بی اساس است، و بنابر آن مبنای ناتمام - لو فرض قبوله - تمام فقها همین نظر را خواهند داشت، نه تنها صاحب حدائق. این نکته ای است که شایسته بود ایشان بدان اشاره کنند؛ زیرا صاحب حدائق براساس مسطح بودن و نفی کرویت زمین، قائل به عدم لزوم اشتراک آفاق شده و براین مبنا چنین نظری داده است.^{۲۱} وقتی مبنای ایشان ناتمام است، پیداست که مبنی علیه آن مبنی ناتمام خواهد بود، و نباید نام ایشان در شمار مخالفان قول مشهور ذکر می شد. به عبارت دیگر، بر مبنای مذکور همه فقیهان چنین خواهند گفت نه تنها صاحب حدائق؛ زیرا اگر زمین کروی نباشد رؤیت هلال تمام مناطق آن، یکسان خواهد بود و اختلاف آفاق معنی نخواهد داشت.

متن سخن حدائق در این باره چنین است:

«... فَإِنَّ لِكُلِّ بِلَدٍ حَكْمَ نَفْسِهَا وَ هَذَا الْفَرْقُ عِنْدَهُمْ مَبْنِيَّ عَلَى كُرْوِيَةِ الْأَرْضِ... وَ مَا ادَّعَوْهُ مِنَ الطُّلُوعِ فِي بَعْضٍ وَ عَدَمِ الطُّلُوعِ فِي آخَرَ - بِنَاءٍ عَلَى مَا ذَكَرُوهُ مِنَ الْكُرْوِيَةِ - مَمْنُوعٌ . وَ مِمَّا يُبْطِلُ الْقَوْلَ بِالْكُرْوِيَةِ أَنَّهُمْ ...»

و بالجمله، فبطلان هذا القول [يعني كروية الأرض] بالنظر إلى الأدلة السمعية والأخبار النبوية أظهر من أن يخفى، و ما رتبوه عليه في هذه المسألة من هذا القبيل، و عسى إن ساعد التوفيق أن أكتب رسالة شافية مشتملة على الأخبار الصحيحة في دفع هذا القول إن شاء الله تعالى .»

۵. چنان که در سخن آیه الله خوئی گذشت، ایشان فرموده اند: «و اختاره صريحاً المحدث الكاشاني في الوافي». ولی باید گفت که فیض در کتاب

فتوایی مفاتیح و نیز المحجة البيضاء مانند مشهور و برخلاف سخنش در وافی و مسلک مرحوم آیه الله خویی مشی کرده است .

مفاتیح الشرائع : «و یختلف الحكم باختلاف مطالع البلاد وفاقاً للأكثر، و وجهه ظاهر» .

المحجة البيضاء : «و یختلف الحكم باختلاف مطالع البلاد» .

۶ . چنان که در سخن مرحوم آیه الله خویی گذشت، مولا احمد نراقی نیز مانند آیه الله خویی در مستند قائل به عدم لزوم اتحاد آفاق است، ولی نراقی در کتاب مُمْتَع و افتاب رسائل و مسائل و نیز کتاب تذکرة الأحباب از مسلک مشهور دفاع کرده و قائل به لزوم اتحاد آفاق شده است و اگر مستند را پیش از این نظر نوشته باشد، پیداست که نمی توان وی را از طرفداران مسلک غیر مشهور دانست . قسمتی از سخنان نراقی در رسائل و مسائل چنین است :

«... هر گاه دو شهر در طول، تفاوت فاحش داشته باشند...

رؤیت هلال در بلد قلیل الطول موجب ثبوت اول ماه در بلد کثیر الطول نمی شود...» .

چون اینها معلوم شد، معلوم می شود که رؤیت هلال در بغداد کفایت ثبوت اول ماه در کشمیر نمی کند... و همچنین دیدن در مصر کفایت از برای بغداد نمی کند و...» .

... در قواعد مسلمة هست که مطلق منصرف به فرد شایع می شود، و در بغداد ثابت شدن رؤیت به [رؤیت] در کشمیر مثلاً از فروض نادره است . پس مراد شارع امری است که شایع است که ثبوت رؤیت در ولایات قریبه به هم باشد . و از این راه می توان گفت که : مطلقاً همین که دو بلد بسیار از هم دور باشند، رؤیت احدهما مطلقاً کفایت دیگری را نمی کند، خواه عرض و طول آنها را بدانیم یا نه، همچنان که ظاهر آن

است که مشهور میان علمای دین است از قرار تصریح بعضی

از علماء^{۲۲}.

و در تذکرة الأحاباب می نویسد:

«مسئله هشتم: هرگاه در ولایتی، اوّل ماه ثابت شود و در ولایت دیگر ثابت نشود، پس هرگاه دو ولایت نزدیک به هم باشند - مانند بغداد و کوفه، یا کاشان و اصفهان، یا شیراز و بصره - حکم آنها یکی است... و هرگاه ولایات متباعد باشند - مانند مصر و بغداد، یا بغداد و هرات، و یا اصفهان و قندهار - حکم آنها یکی نیست، بنابر اقوا^{۲۳}».

(و) قلمرو حجّیت بیّنه در رؤیت هلال

در سال‌های اخیر بر اثر اعتماد به ادّعای شهود در رؤیت هلال و حجّت دانستن آن مطلقاً و بدون عنایت به انظار بسیاری از فقیهان بزرگ در گذشته و حال، مشکلاتی روی داده است؛ در حالی که حجّیت بیّنه مطلقاً یا در رؤیت هلال مشروط به شرایطی است؛ از جمله:

- به اتفاق همه فقیهان مشروط است به عدم علم یا اطمینان یا گمان (به نظر برخی) به خطای آن؛

- بسیاری از فقیهان، در صورت صاف بودن هوا و نبودن مانع از رؤیت، اساساً بیّنه را در رؤیت هلال حجّت نمی دانند.

- بسیاری از فقیهان، در صورتی که بیّنه متهم - به خطا و اشتباه یا در معرض توهم و تخیل باشد - آن را حجّت نمی دانند.

۲۲. همان، ج ۳ / ۲۲۱۷-۲۲۱۸.

۲۳. همان، ج ۳ / ۲۲۲۲.

روشن است که در صورت اتفاق منجمان بر رؤیت ناپذیری هلال، علم یا اطمینان یا گمان به اشتباه شهود و مدعیان رؤیت پیدا می شود و یا حداقل متهم به خطا و اشتباه می شوند و در چنین فرضی پذیرش شهادت آنها مشکل است. از سوی دیگر، با توجه به آلودگی هوا در روزه‌گار ما، و وجود اشیای پرنده بسیار در فضا، احتمال اشتباه شهود بسیار قوی است، خصوصاً در صورتی که عده‌ای زیاد از اهل فن، که بهتر از مردم عادی جای ماه و خصوصیات آن را می دانند، استهلال کنند و حتی با دوربین و تلسکوپ هم هلال را نبینند که در چنین فرضی علم به خطای شهود پیدا می شود و یا حداقل بر اثر تعارض، از حجیت ساقط می شوند. ۲۴

۲۴. در گذشته گاهی بیش از امروز در پذیرش شهادت بینه به رؤیت هلال دقت و سخت گیری می کرده اند؛ مثلاً در خصوص اثبات رؤیت هلال در یکی از شهرهای ایران نوشته اند:

«بعضی سال‌ها اتفاق می افتد مردم موفق به دیدن ماه نمی شوند. در این صورت اهالی شهر تا نیمه شب جلو خانه قاضی جمع می شوند و کسب تکلیف می کنند. بسا اتفاق می افتد چند نفر از آبادی‌های اطراف فانوس به دست از راه می رسند و خبر دیدن ماه را می دهند. مردم با سلام و صلوات آنها را پیش قاضی می برند تا در حضور قاضی سوگند یاد کنند ماه را دیده اند. برای ادای سوگند قاضی قرآن را باز می کند و جلو آنها می گذارد و در حالی که چاقوی تیزی روی قرآن گذاشته، به آن عده می گوید سوگند یاد کنید. آنها هم به قرآن قسم می خورند که ماه را دیده اند و معتقدند اگر سوگند دروغ یاد کنند چاقو شکم آنها را پاره می کند...»

در فرنگ خمین اگر نتوانند شب عید ماه را ببینند و از دهات و

در این جا اسامی و فتوای بیش از سی تن از فقهای بزرگ شیعه از سده پنجم هجری تاکنون - به ترتیب تاریخ وفات آنها - نقل می شود که هیچ یک بینه را بی حد و حصر و مطلقاً و در همه فروض حجت نمی دانند و هر کدام به جهتی از جهات پیش گفته بسیاری از ادعاهای رؤیت را نمی پذیرند. گفتنی است که در این جا به ذکر نام هر فقیه و کتاب وی اکتفا کرده و نشانی دقیق این فتاوا و انظار را با کتاب شناسی منابع آنها در جلد های ۳، ۴ و ۵ رؤیت هلال آورده ام.

۱. شیخ صدوق (م: ۳۸۱) در مقنع:

«لاتجوز الشهادة في رؤية الهلال دون خمسين رجلاً عدد القسامة. و تجوز شهادة رجلين عدلين إذا كانا من خارج البلد و كان بالمصر علة».

۲ و ۳. ابوالصلاح حلبی (م: ۴۴۸) در کافی و نیز ابن زهره (م: ۵۸۵) در

غنیه:

«يقوم مقام الرؤية شهادة رجلين عدلين في الغيم وغيره من العوارض، و في الصحو و انتفائها إخبار خمسين رجلاً».

۴. شیخ طوسی (م: ۴۶۰) در نهاییه:

آبادی های اطراف هم خبری کسب نکنند، شبانه دو نفر از اهالی را روانه خمین یا قم یا شهرهای دیگر می کنند تا خبر رؤیت ماه را بیاورند. در قدیم که جاده نبوده است، این افراد یا پیاده یا با اسب می رفتند و چه بسا تا ظهر روز بعد سفرشان به طول می انجامید و مردم هم در حال روزه به سر می بردند. این دو تن برای اطمینان خاطر اهالی نامه ای از یکی از مجتهدان ولایاتی که بدان جا رفته اند مبنی بر رؤیت یا عدم رؤیت هلال می گیرند و با خود می آورند...» (رمضان در فرهنگ مردم / ۱۵۹-۱۶۰).

«إن كان في السماء علة لم يثبت إلا بشهادة خمسين من أهل البلد أو عدلين من خارجه، وإن لم تكن هناك علة وطلب فلم ير لم يجب الصوم إلا أن يشهد خمسون من خارج البلد أنهم رأوه».

در مبسوط :

«فإن كان في السماء علة من غيم أو غبار أو قمام و شهد عدلان برؤيته وجب الصوم، وإن لم تكن لم تقبل إلا شهادة خمسين رجلاً».

در خلاف :

«لا يقبل في هلال رمضان إلا شاهدان مع الغيم، فأما مع الصحو فلا يقبل فيه إلا خمسون قسامة أو اثنان من خارج البلد».

٥. قاضى ابن برآج (م: ٤٨١) در مهذب :

«وإن لم يره أهل البلد وكان في السماء علة وراه خمسون رجلاً وجب أيضاً الصوم، و... ومتى لم تكن في السماء علة و تصدى الناس لرؤيته فلم يروه لم يجب الصوم. فإن شهد من خارج البلد خمسون رجلاً برؤيته وجب الصوم».

٦. ابن حمزه طوسى (زنده در ٥٦٦) در وسيله :

- «... والرابع لا يثبت إلا بشهادة خمسين نفرأ...».

- «البينة ستة أنواع: أحدها شهادة خمسين رجلاً وذلك في موضعين: رؤية الهلال مع فقد علة في السماء ليلة شهر رمضان في إحدى الروايتين والقسامة...».

٧. كيدرى (زنده در ٦١٠) در إصباح الشيعة :

«... و مع فقد العلة لا يقبل إلا شهادة خمسين رجلاً من البلد أو الخارج».

۸. علی بن محمد سبزواری (م: سده ۷) در جامع الخلاف و الوفاق:
«و تقوم مقام رؤیة الهلال شهادة عدلین مع وجود العوارض من
غیم أو غیره. و أمّا مع انتفائها فشهادة خمسين، أو اثنان من
خارج البلد».

۹. شهید اول (م: ۷۸۶) در دروس:
«و فی روایة ابي آیوب يعتبر خمسون مع الصحو، أو اثنان من خارج
مع العلة. و حملت علی عدم العلم بعد التهم أو علی التهمة».

۱۰. علامه مولا محمد تقی مجلسی (م: ۱۰۷۰) در لوامع صاحبقرانی
(ج ۶ / ۴۳۸-۴۳۹):

«و مکرّر تجربه کرده ام از صلحا و عدول، که شهادت داده اند و
باز معلوم شده است ایشان را که اشتباه کرده اند برگشته اند، و
غالب آن است که چون طالب مآهند در قوه متخیله ایشان مصور
می شود و خیال می کنند که در آسمان است. و بسیاری است که
به اعتقاد خود ماه را دیده اند و نشان می دهند و دیگری
نمی بیند، بعد از آن از جانب دیگر دیده می شود و می یابند که
غلط کرده بوده اند و از این جهت، کسانی که صلاحی و عقلی
دارند، زود به زود شهادت نمی دهند تا یقین نشود ایشان را».

۱۱. محقق سبزواری (م: ۱۰۹۰) در کفایه:
«... ولعل الأقرب فی تأویل هذه الأخبار أن تحمّل علی صورة
لأیحصل الظن بقولهم، كما إذا ادّعوا الوضوح و لم یره الباقون
مع سلامة أبصارهم و قوتها و ارتفاع الموانع عنهم، بل قد
یحصل العلم بخلاف قولهم».

۱۲. آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸) در مشارق الشمس:
«... لا بدّ من القول بأن اعتبار الخمسين لدفع التهمة و رفع ظنّ

الاشتباه الذي يكون غالباً في الشهود القليلة في باب الهلال، باعتبار مشاركة الكثيرين في الاستهلال و عدم رؤيتهم مع سلامة أبصارهم».

۱۳. شیخ یوسف بحرانی (م: ۱۱۸۶) در حدائق:

«متی كانت السماء صاحبة خالية من العلة و توجه الناس إلى النظر إلى الهلال و كان ثمة هلال فإنه لا يختص بنظره واحد من عشرة ولا عشرة من مائة، بل إذا رآه واحد رآه ألف: لأن المفروض سلامة الرائي من العلة و المرئي. ... و أما إذا كان في السماء علة مانعة من الرؤية فإنه يتعذر العلم و اليقين في هذه الحال، فيكتفى بالشاهدين ...».

۱۴. وحید بهبهانی (م: ۱۲۰۵) در التحفة الحسينية:

«و در صورت صافی هوا و استوای بلد تا مکان دیدن اشخاص بینده ماه، خواه داخل بلد باشد و خواه خارج، شهادت عدلین قبول نیست».

۱۵. سیدعلی طباطبائی صاحب ریاض (م: ۱۲۳۱) در راه نجات:

«شهادت دو عادل قبول می شود...، مگر آن که تهمتی در شهادت ایشان باشد، چنان که گمان حاصل شود که ایشان توهم کرده اند. و از جمله تهمت آن است که ... جمعی که صاحبان چشم های درست باشند و مانع داخلی و خارجی نباشد، آن گاه بعضی گویند ما دیدیم و باقی گویند که ندیدیم؛ به نحوی که گمان به هم رسد که ادعا کنندگان دیدن توهم کرده اند، که در این وقت شهادت ایشان حجت نخواهد بود... . پس در صورت تهمت و تعارض شهادت، مناط یقین به هم رسیدن خواهد بود، نه گمان».

بحث انگیزترین موضوع در زمان ما این است که اگر رویت هلال در افقی ثابت شد، آیا فقط برای دیگر آفاقی هم که با افق مزبور متحدند، ثابت است و برای آفاق غیر متحد ثابت نمی‌شود؟ یا این که اتحاد آفاق شرط نیست و برای سایر نقاط - اعم از متحد الأفق و مختلف الأفق - هم ثابت می‌شود؟

۱۶. سید محمد مجاهد (م: ۱۲۴۲) در مناهل و مصابیح:

«إذا حصل الظن بكذب الشاهدين العدلين فهل يعتبر شهادتهما
حيثاً أولاً؟»

إشكال من إطلاق كلام المعظم، وإطلاق الأخبار الدالة على اعتبار شهادة العدلين و من الاصل، و امکان دعوى انصراف اطلاق ما دل على قبول شهادة العدلين إلى الغالب، و هو صورة حصول الظن بصدقهما، و أن شرط قبول الشهادة انتفاء التهمة، و هو غير حاصل مع الفرض، و ظهور ما دل على اعتبار شهادة الخمسين في صورة عدم وجود العلة في السماء في عدم اعتبار شهادتهما حيثئذ.

و لعل الأقرب الاحتمال الأخير، كما هو ظاهر المختلف و غاية المراد و المدارك و الذخيرة و الرياض، بل ظاهر بعضهم دعوى الاتفاق عليه، و لا يعد إلحاق صورة الشك بالمعنى المتعارف بهذه السورة. فتأمل.

۱۷. مولا احمد نراقی (م: ۱۲۴۵) در مستند الشيعة:

«إن مقتضى العمومات قبول العدلين مطلقاً، خرج منه ما إذا كان صحواً و تفحص أهل مصر - أي مجتمع الناس الكثيرين -

و لم يره غير العدلين منهم؛ إمّا لأجل التهمة، أو لإمكان
تحصيل العلم، أو لعلّة أخرى، أو كان في السماء علةً و شاهد
شاهدان من البلد مع تفحص الباقيين... .

و ترشد إلى عدم القبول في محلّ النزاع - وهو الصحو أو العلة
و كون الشاهدين من البلد و كونهما محلّ التهمة - المستفيضة
من الروايات، المصرحة بأن الرؤية الموجبة للصوم و الفطر
ليست أن تقوم جماعة فتتظرو و يراه واحد و لم يره الباقي» .

١٨ . شيخ حسن كاشف الغطاء (م: ١٢٦٢) در أنوار الفقاهة :

«فلا بدّ من حمل الخبرين حيثئذ على صورة تعارض الشهادات
بين المثبتين و النافين، و حصول التهمة للمثبتين، كما هو
ظاهرهما، لأنّ الجميع سالموا الأبصار، و الزمان صاح،
فالاختصاص موضع التهمة، و مع حصول التهمة للشاهدين
يرتفع الوثوق بشهادتهما، فلا تكون شهادة العدلين حجةً؛
لاشتراط عدم التهمة فيها، حتّى قيل: إنّ ذلك مجمع عليه
بالضرورة...» .

١٩ . ميرزا احمد بن لطفعلی تبریزی (م: ١٢٦٥) در منهج الرشاد في شرح

الإرشاد:

«المعتبر في رؤية الهلال إمّا العلم... أو إخبار العدلين القائم
مقامه شرعاً، إلا إذا كانت هناك تهمة بأن يدعي بعضهم الرؤية و
أنكرها الباقون و لم يروه مع سلامة أبصارهم و قوتها، و ارتفاع
الموانع عنهم بالكليّة من الغيم و الغبار و الدخان و الضباب و
نحوها؛ إذ يحصل حيثئذ الظنّ بخلاف ما يدعي ذلك البعض و
إن وجد فيهم العدلان، بل قد يحصل العلم بخلاف قولهم، و
ذلك لا ينافي العدالة؛ إذ العدل أيضاً قد يشتهب الأمر عليه» .

۲۰. میرزا محمد بن محمد علی تبریزی (زنده در ۱۲۶۶) در المسائل

الغروية:

«لا بدّ في سماع الشهادة من عدم التهمة، كما هو الشأن في جميع أبواب الشهادة، كما تشهد به الأدلة، ولعل السرّ حصول القدر بسببها في العلم بالعدالة، أو في متعلق الشهادة، أو في كفيّتها و شرائط صحتها من أن لا تكون عن اشتباه أو غفلة».

۲۱. شیخ محمد حسین فرزند مولی زین العابدین مازندرانی (م: ۱۳۰۹)

در حاشیه ذخیره المعاد في تكاليف العباد:

«شهادات عدلین، اگر متهم نباشند مثل آن که در هوای صاف بی ابر جمع کثیری در مقام تفحص و تجسس برآیند و دو شاهد عادل هم با آنها در تفحص باشند با اتحاد زمان و اتحاد مکان و اتحاد قوه بصر، در این حال آن دو شاهد عادل دعوی رؤیت کنند و آن جمع کثیر نبینند، و مفروض این است که مانعی در افق هم نبوده، پس در این صورت قبول شهادات آنها مشکل است».

۲۲. مولا محمد کاظم معروف به آخوند خراسانی (م: ۱۳۲۹) در ذخیره

المعاد و حاشیه مجمع المسائل شیرازی:

«سوم: شهادات عدلین در صورتی که آسمان بی علت نباشد [یعنی اگر صاف و بدون علت (= ابر) باشد، شهادات عدلین پذیرفته نیست]».

۲۳. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (م: ۱۳۴۳) در حاشیه الغایة القصوی

ترجمة العروة الوثقی:

«احوط تقييد است که در بلد باشد یا در آسمان غيم بوده باشد».

٢٤ . آقا ضياء الدين عراقى (م : ١٣٦١) در شرح تبصرة المتعلمين :

«حكمة ردع الإمام شهادة الرجلين مع عدم العلة هي احتمال التهمة و عدم الوثوق بظاهر حالهما، الكاشف عن عدم عدالتهما أو كذبهما واقعاً؛ إذ مع عدم العلة المزبورة تكون رؤيته - عادة - ملازمة لرؤية جم غفير يوجب قولهم اليقين . فمع عدم دعوى الرؤية حيثئذ من أحد ربما يحصل الوثوق بكذبهما، فيخرجان حيثئذ عن الطرق العقلية، و دليل حجية البينة إنما ينظر إلى ما كان مورد اعتناء العقلاء، لا ما كان مرهوناً إلى حد يخرج عن مورد اعتنائهم بالمرّة، كما لا يخفى . هذا، مع أنه على فرض تسليم إطلاق دليل حجية البينة من تلك الجهة يمكن الالتزام بتخصيص حجيتها بغير مورد التهمة : لمكان هذه النصوص» .

٢٥ . آية الله سيّد ابوالحسن اصفهانی (م : ١٣٦٥) در وسيلة النجاة :

«لا فرق أن تكون البينة من البلد أو خارجه إذا كان في السماء علة، و أمّا مع الصحوف في حجتها من البلد تأمل و إشكال» .

٢٦ . آية الله سيّد محسن حكيم (م : ١٣٩٠) در حاشية عروه :

«إذا لم تكن علة، في حجية البينة من البلد إذا لم يحصل الاطمئنان بصدقها شبهة و إشكال» .

٢٧ . آية الله شيخ محمد تقى آملی (م : ١٣٩١) در مصباح الهدى :

«... من المعلوم أن اعتبارها [أي البينة] إنما هو لأجل الظن النوعي المطلق، و هو يتم فيما إذا لم يلزم مع قيام ما يورث الظن النوعي على خلافه، و لا إشكال أنه مع الصحو و عدم العلة في الرائي و المرئي و كثرة الناظرين إذا رآه واحد يراه مائة و إذا رآه مائة يراه ألف، فاختصاص الواحد أو الاثنين من بينهم

في الرؤية مع اشتراك الباقيين معهم في الرؤية و سلامتهم عمّا
يمنعهم عنها كاشف قويّ عن الاطمئنان بخطأ المدّعين لها، و
معه فلاظنّ نوعيّ معه بمطابقة خبرهم مع الواقع، فيخرج
المورد ممّا يدلّ عليه دليل اعتبارها، و هو ما كان مفيداً للظنّ
بنوعه و إن لم يفده في المقام...».

٢٨. آية الله سيّد هادي ميلاني (م: ١٣٩٥) در حاشيه عروه:

«لكن لو استهلّ أهل البلد و لم تكن في السماء علة و لم يره
سوى الاثنتين لحصل الاطمئنان بخطئهما».

٢٩. آية الله شهيد سيّد محمّد باقر صدر (م: ١٤٠٠) در حاشيه منهاج

الصالحين:

«يشترط في حجّة البيّنة عموماً أن لا تكون هناك قرينة توجب
الاطمئنان النوعي بكذبها، ففي الموارد التي يكون المشهود به
واقعة من طبيعتها أن يشهد بها كثير من الناس إذا اقتصر
شخصان على الشهادة بها و أنكر إدراكها الآخرون لا يعول على
البيّنة. و من هذا القبيل ما إذا كان الجوّ صاحياً و كان
المستهلّون كثيرين في مختلف البلاد و متجهين نحو الجهة
الملحوظة للبيّنة، و مع هذا أنكروا رؤيتهم للهلال و انفرد
الشاهدان بالشهادة».

٣٠. حضرت امام خميني (م: ١٤٠٩) در حاشيه عروه و حاشيه وسيله و

تحرير الوسيلة:

«إلا مع الصحو و اجتماع الناس للرؤية و حصول الاختلاف و
التكاذب بينهم بحيث يقوى احتمال الاشتباه في العدلين، فإنّه
في هذه الصورة محل إشكال.

– الأقوى حجّيتها مطلقاً إلا مع الصحو و اجتماع الناس للرؤية

و حصول الاختلاف و التكاذب بينهم بحيث يقوى احتمال

الاشتباه في العدلين، ففي هذه الصورة محل إشكال.

- مع عدم العلة و الصحو و اجتماع الناس للرؤية و حصول

الخلاف و التكاذب بينهم بحيث يقوى احتمال الاشتباه في

العدلين، ففي قبول شهادتهما حيثئذ إشكال.

٣١. آية الله ابوالقاسم خوئي (م: ١٤١٣) در المستند في شرح العروة

الوثقى:

«فما ذهب إليه المشهور من حجية البيّنة على الهلال من غير

فرق بين ما إذا كانت في السماء علة أم لاهو الصحيح. نعم

يستثنى من ذلك صورة واحدة؛ جرياً على طبق القاعدة، من

غير حاجة إلى ورود الرواية، وهي ما لو فرضنا كثرة

المستهلين جداً، وليست في السماء آية علة، و ادعى من بين

هؤلاء الجم الغفير شاهدان عادلان رؤية الهلال، و كلما دقق

الباقون و آمنوا النظر لم يروا، فمثل هذه الشهادة - و الحالة

هذه - ربما يطمأن أو يجزم بخطئها؛ إذ لو كان الهلال موجوداً و

المفروض أن هذين لامزية لهما على الباقيين، فلماذا اختصت

الرؤية بهما؟! فلا جرم تكون شهادتهما في معرض الخطأ، و لا

سيما و أن الهلال من الأمور التي يكثر فيها الخطأ، و يخيل

للمناظر لدى تدقيق النظر ما لا واقع له، و قد شوهد خارجاً كثيراً

أن ثقة، بل عدلاً، يدعي الرؤية، و يحاول اراءة الناس من

جانب، و من باب الاتّفاق يرى الهلال في نفس الوقت من

جانب آخر.

و على الجملة فنفس دليل الحجية قاصر الشمول من أول الأمر

لمثل هذه الشهادة؛ لاختصاصها بما إذا لم يعلم، أو لم يطمأن

بخطأ الحجّة، و السيرة العقلانيّة أيضاً غير شاملة لمثل ذلك
البتّة. فهذه الصورة خارجة عن محلّ الكلام من غير حاجة إلى
ورود نصّ خاصّ.

٣٢. آية الله سيّد محمد رضا گلپايگانی (م: ١٤١٤) در حاشیه عروه و
حاشیه وسیله:

«يعتبر احتمال صدقهما احتمالاً عقلياً، فلو لم تكن في
السماء علّة و استهلّ جماعة فلم ير إلا واحد أو اثنان مع عدم
الضعف في أبصار غيرهما، أو كان في السماء علّة لا يرى
بحسب العادة فحجّيتها محلّ منع».

٣٣. مرحوم آية الله سيّد محمد جعفر مروج جزائري (م: ١٤١٩)
در رساله ثبوت الهلال بالبيّنة و حكم حاكم الشرع (ص ٢٣؛ رؤيت هلال،
ج ٢ / ٩٥٧).

«الأمر الرابع: أن مقتضى ما تقدّم... هو عدم حجّية البيّنة مع
العلم العادي بخطائها، كما إذا قامت البيّنة على رؤية الهلال
بمحضر جمع كثير استهلّوا مع سلامة عيونهم و معرفة جميعهم
بموضع الهلال حتّى لا يطلبوه من غير موضعه، و عدم علّة في
السماء، فمع هذه الخصوصيات لانكون البيّنة حجّة، للعلم
العادي بخطائها...»

الأمر الخامس: أن حجّية البيّنة في المقام كغيره من المقامات
منوطة بعدم التعارض؛ لامتناع التعبد بالنقيضين، ولذا يكون
الأصل العقلائي تساقط الطرق المتعارضة... و لعلّ نظر
صحيحة الخراز و نحوها إلى صورة التعارض؛ إذ مرجع
دعوى رؤية بعض من عدّة المستهلّين مع إنكار السائرين،
الراجع إلى دعوى عدم كون الهلال قابلاً للرؤية إلى التعارض،

فلامحالة تسقط البيّنتان عن الاعتبار؛ لعدم شمول دليل الحجية لهما...» .

٣٤. آية الله شيخ محمد أمين زين الدين (م: ١٤١٩) در كلمة التقوى :

«يثبت أول الشهر بالبيّنة الشرعية... سواء كانت في السماء علّة تمنع من رؤية سواهما أم لا، إلا إذا أوجب ذلك ريباً في صدق رؤية الشاهدين. ومثال ذلك ما إذا كثر الناظرون غيرهما إلى جهة الهلال الراغبون في اكتشاف أمره، وانتفت العلّة المانعة من الرؤية في السماء وفي الرائيين، على وجه لو كان في الجهة هلال لظهر لغير الشاهدين من الناظرين الآخرين، وفيهم الموثوقون المتيقنون في أمور دينهم، فإذا لم يدع الرؤية سوى الشاهدين من الناس أوجب ذلك ريباً في صحّة رؤيتهما، وقوّة في احتمال عروض الاشتباه لهما فيما ادّعيا، فلا تشمل شهادتهما أدلّة البيّنة في هذه الصورة».

٣٥. مرحوم آية الله سيد محمد علي موحد ابطحي اصفهاني (م: ١٤٢٣)

در رساله في ثبوت الهلال (ص ٢٤-٢٥، ٢٧؛ رؤيت هلال، ج ٢ / ١٠٢٤ - ١٠٢٥).

«الظاهر من تتبّع روايات البيّنة أنّ مجرد قيام شاهدين أو ثلاثة لا يصحّ الحكم بثبوت الهلال مطلقاً، ففي قبال الروايات المطلقة روايات آخر مقيدة لإطلاقها...»

إنّ النظر في سعة دائرة الحجية لروايات البيّنة ممّا أهمل التحقيق فيه كثير من الأعظم، والذي ينبغي أن يقال: إنّ شهادة العدلين لا يصحّ ثبوت الهلال بقول مطلق؛ فإنّ من له نظر ثاقب يلاحظ أنّ روايات أهل البيت (صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين) ضيّقت دائرة التعويل على البيّنة في الهلال بما

أشرفنا إليه . و بتفريقها إذا كانت في السماء علّة تمنع الرؤية في
البلد و ما لم تكن

... و أما البيّنة الداخلية و هي شهادة عدلين من داخل البلد
فلا يمكن الاكتفاء بها إذا كانت السماء مصححة؛ فإنّ فردين
أو أكثر - كما قلنا - مع عدم تصديق باقي المستهلّين
يوجب الريب في شهادتهم . و على طبق ما يستفاد من هذه
الأخبار أفتى غير واحد من أعيان الطائفة و أساطين الفقه،
كالشيخ الطوسي .»

ایشان همه ادله مخالفان این نظر را رد کرده و بر مدعای خود دلیل آورده
است .

بیفزایم که در این کتاب ها - به جز کتاب های فتوایی محض - ادله این
سخنان و همچنین روایات حضرات معصومان (ع) در این زمینه ذکر شده است
که برای پرهیز از طولانی شدن این مقدمه، از نقل آنها روی برتافتیم .
بسیاری از علمای اهل سنت نیز در این زمینه مانند فقهای شیعه نظر داده اند
از جمله شیخ عبدالله بن زید آل محمود، مفتی قطر می نویسد:

«... من شرط صحّة الشهادة المقبولة كونها تنفك عمّا
يكذبها، فمتى شهد أحد برؤية الهلال ليلة الإثنين ثم لم يره
جميع الناس ليلة الإثنين و لا ليلة الثلاثاء، فإنّه من المعلوم
قطعاً أنّ الشهادة كاذبة أو أنّ الشاهد توهم رؤية خيالية حسبها
هلا ۲۵» .

- نجم عن هذا التساهل أن صاروا يشهدون به في وقت
مستحيلة رؤيته فيه ويشهدون به الليلة ثم لا يراه الناس الليلة

الثانية... فدخل على الناس بسبب هذا التساهل شيء من الخطأ في هذه العبادة فصاروا يصومون شيئاً من شعبان و يفطرون شيئاً من رمضان^{٢٦}.

- قد ثبت بالتجربة و الاختيار كثرة كذب المدعين لرؤية الهلال في هذا الزمان^{٢٧}.

- فالعدالة التي يشترطها الفقهاء لصحة الشهادة على الهلال و غيره قد صارت مفقودة في هؤلاء الأفراد، الذي يشدّ أحدهم بشهادته على الهلال من بين مجموع سائر الناس، بحيث يدعي أحدهم... رؤيته في وقت هي مستحيلة بمقتضى الدليل العقلي على عدم إمكانها...^{٢٨}.

همچنین از مصوّبات اولین کنگره مجمع البحوث الإسلامیة در قاهره این

است :

١- إن الرؤية هي الأصل في معرفة دخول أي شهر قمري... لكن لا يعتمد عليها إذا تمكنت فيها التهم تمكناً قوياً.
٢- يكون ثبوت رؤية الهلال بالتواتر والاستفاضة، كما يكون بخير الواحد... إذا لم تتمكن التهمة في إخباره لسبب من الأسباب، و من هذه الأسباب مخالفة الحساب الفلكي الموثوق به، الصادر ممن يوثق به^{٢٩}.

٢٦ . اجتماع أهل الإسلام على عيد واحد كل عام، ص ٨.

٢٧ . اجتماع أهل الإسلام على عيد واحد كل عام، ص ١١.

٢٨ . اجتماع أهل الإسلام على عيد واحد كل عام، ص ١٥.

٢٩ . مقاله «اثبات الأهلة» مطبوع در مجله الشريعة، سال ششم، ١٤٠٩ / ٤٠٨.